

واکاوی تطبیقی «خودشی‌انگاری» در زنان با گزاره‌های اسلامی

(ترجمه و مطالعه موردی مقاله انگلیسی با عنوان «تداوم و تغییر در خودشی‌انگاری: با اتخاذ رویکرد طول دوران زندگی نسبت به تجربه حس شی‌انگاری بدن در زنان» از نیتا ماری کینلی^۱)

محمدعلی طاهری نژاد^۲

سیده جمیله هاشم‌نیا^۳

چکیده

یکی از مهم‌ترین نتایج تحقیقات میدانی گسترده، می‌تواند بیان حقانیت و فلسفه دستورات اسلام و کارایی مفید آن برای بشر باشد. اهمیت انتخاب موضوع «خودشی‌انگاری در زنان» از میان سایر تحقیقات میدانی از آن‌رو است که این امر امروزه از موضوعات و آسیب‌های اجتماعی پربسامد در جامعه بوده و تاکنون نیز از دیدگاه اسلام مورد بررسی قرار نگرفته است. بنابراین طبق این تحقیق، اجرای برخی فرمان‌های اسلامی به‌طور ویژه بهترین پیشنهاد برای پیشگیری و درمان این گونه آسیب‌ها دیده شده است. در پژوهش حاضر ضمن ترجمه مقاله پنجم از کتاب مجموعه مقالات انگلیسی «خودشی‌انگاری در زنان» توسط نویسنده مسئول، به واکاوی اصل موضوع «خودشی‌انگاری» با روش تحلیلی و تطبیقی پرداخته شده و با

1. Nita Mary McKinley.

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه علوم قرآنی مشهد. 41taherinegad@gmail.com

۳. کارشناس ارشد تفسیر قرآن کریم، دانشگاه علوم قرآنی مشهد. (نویسنده مسئول)

sj.hashemnia@gmail.com

استفاده از آیات و روایات، حقانیت و لزوم اجرای احکام دین از جمله حجاب بانوان، به ویژه در سنین نوجوانی و جوانی و نیز عدم ضرورت و وجوب آن برای زنان در سنین کهن سالی اثبات شده است. همچنین بر اساس این تحقیق، ارتباط معناداری میان خودشیءانگاری با تبرّج، حجاب و خودشناسی، دریافت و تبیین شده که طبق نتایج آن، آموزه های دینی وجه بهتری را برای کنترل حس خودشیءانگاری در زنان ارائه کرده است.

کلیدواژه ها: خودشیءانگاری زنان، نوجوانی، جوانی، کهن سالی، اسلام، حجاب.

مقدمه

گزارشی از مقاله انگلیسی ترجمه شده

مقاله نیتا ماری کینلی (که توسط مؤلف مقاله حاضر ترجمه شده) پنجمین مقاله از کتاب مجموعه مقالات انگلیسی «خودشیءانگاری در زنان»، با عنوان «تداوم و تغییر در خودشیءانگاری: با اتخاذ رویکرد طول دوران زندگی نسبت به تجربه حس شیءانگاری بدن در زنان» است که نویسنده با گردآوری اطلاعات از جامعه آماری نسبتاً وسیعی در میان دختران و زنان، تداوم و تغییر حس خودشیءانگاری آنان در طول زندگی و در سنین مختلف از کودکی تا کهن سالی را تعقیب کرده و ارتباط آن با زیست شناسی، روان شناسی و بسترهای اجتماعی را مورد بررسی و ارزیابی قرار داده است. او در این تحقیق به بررسی پیشرفت حس شیءانگاری بدن پرداخته که شامل تجربیات زنان در پایش و واریسی بدن، شرم از بدن و کنترل و واریسی شکل ظاهری آن است. این پژوهش با بررسی تفاوت های مربوط به رشد و تغییرات حس شیءانگاری بدن، دو یافته کلیدی و مهم را برجسته می سازد: اول اینکه حس شیءانگاری بدن در میان دختران و زنان در دوران نوجوانی و جوانی به بیشترین حد و در میان زنان مسن تر به کمترین حد خود می رسد؛ دوم اینکه تفاوت های موجود در نظارت و پایش بدن و شرم از بدن در میان زنان جوان تر و مسن تر بیانگر آن است که تجربه رابطه ای شیءانگاران با بدن، ممکن است در طول زمان برای زنان تغییر کند.

طبق نظر نویسنده این مقاله با توجه به تغییر جهت یافتن امور تکاملی و رویدادهای

منحصربه‌فردی که بر اساس تاریخ و زمان در گروه‌های متعددی از زنان احساس شده است، رویکرد دوران زندگی بر حس شیء‌انگاری بدن، چارچوب وسیع‌تری برای درک این پدیده فراهم می‌آورد. در واقع دانستن اینکه چگونه در مراحل مختلف زندگی، خودشیء‌انگاری شیوع بیشتری یافته یا کمتر می‌شود، کمک خواهد کرد، گذرگاه‌های رشدی که احتمال مبتلا شدن دختران و زنان در آن به پیشرفت خودشیء‌انگاری وجود دارد یا مقاومت در برابر آن افزایش می‌یابد، روشن شود.

بررسی انگاره‌های مقاله ترجمه‌شده و تحلیل نموداری نتایج آن

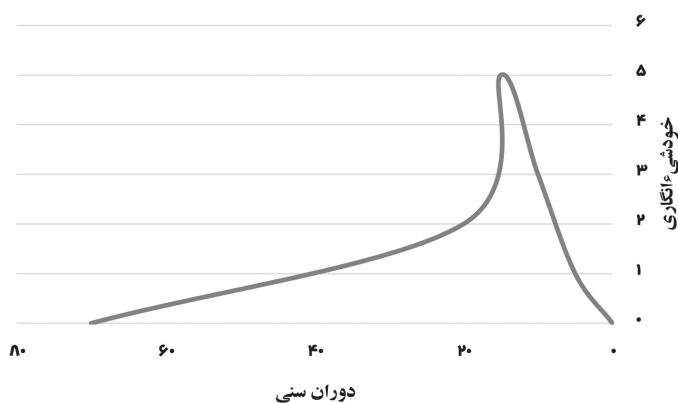
از آنجا که مطالعات اجتماعی میدانی به‌ویژه با جامعه آماری وسیع در هر زمینه و هر جامعه‌ای می‌تواند یکی از راه‌های شناخت غرایز و طبیعت بشر باشد، روشن است نتیجه به‌دست آمده در مقاله انگلیسی مذکور که در میان بخش وسیعی از زنان صورت گرفته نیز می‌تواند مطابق با غرایز طبیعی بوده و طبعاً این ویژگی اختصاص به گروه، اشخاص، فرهنگ‌ها، کشورها و یا مذاهب خاصی نداشته و به‌طور نوعی می‌تواند زنان هر جامعه‌ای را در بر گیرد. بنابراین در این پژوهش رویکرد تحلیلی و انطباقی نتایج مقاله فوق با گزاره‌های دینی مدنظر بوده و از نگاه انتقادی صرف نظر می‌شود.

تاکنون تحقیقات، نظریات و پژوهش‌های آماری زیادی پیرامون پدیده حس «خودشیء‌انگاری» در زنان صورت گرفته است. از آنجا که این حس موجب اختلالات روحی و روانی متعددی در زنان گشته می‌توان از آن به‌عنوان بیماری روحی یاد کرد که اکنون بسیاری از بانوان جوامع مختلف را مبتلا ساخته و همین امر ضرورت پرداختن همه‌جانبه بدان را روشن می‌سازد. همان‌طور که در ترجمه مقاله روشن شد دوران بلوغ و جوانی، سنینی است که زن بیش از هر دورانی ممکن است در آن دچار حس خودشیء‌انگاری شود.

طبق مطالعات روان‌شناسی، بلوغ، تولدی جدید و مرحله انتقال از دوران کودکی به بزرگسالی است که در این راستا تمایلات و ذوق‌های شخص تغییر می‌کند. (خلیلی، بختیاری، ۱۳۷۸: ش ۴۱) بر این اساس، نتیجه‌گیری دختران در مورد ظاهرشان، شدیداً عزت‌نفس و سلامت روانی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. (Mendelson, 1999: 321-340)

بنابراین با وجود تحولات جسمی و روحی و پیدایش شرایط روحی و روانی نوظهور در سنین نوجوانی و جوانی دختران، بدیهی است اگر نیروهای مهارکننده و بازدارنده قوی تری به لحاظ اعتقادی در وجود انسان رخنه نکرده و یا ضعیف باشد. فرد در چنین شرایطی ممکن است در اثر تحجیر و سردرگمی و نیز غلیان خواسته‌های درونی این دوران، دچار خطاهای فکری و رفتاری بسیاری گشته تا جایی که او را به فساد و تباهی کشاند. بنابراین شایسته است مطالعات و تحقیقات گسترده‌ای در زمینه خودشیء‌انگاری زنان با نگاه روان‌شناسی و دینی انجام شود تا به ریشه‌یابی، آسیب‌شناسی و درمان آن به شکل مؤثرتری پرداخته شود. (شایان ذکر است به تازگی مطالعاتی در همین زمینه با تحلیل آن از نگاه اسلام توسط مؤلف این اثر صورت گرفته که ان‌شاءالله به زودی منتشر خواهد شد).^۱

آنچه تاکنون با ترجمه و مطالعه مقاله مذکور به دست آمده، وجود حس خودشیء‌انگاری است که طبق آمار در میان بسیاری از زنان و دختران، هرچند به صورت متغیر، وجود دارد و اگر بخواهیم چگونگی تغییرات آن را همگام با رشد سنی بر روی نمودار نشان دهیم تقریباً به صورت زیر خواهد شد:



این نمودار به روشنی بیانگر اوج حس خودشیء‌انگاری زنان در سنین نوجوانی و آغاز جوانی و افول شدید آن در سنین کهن سالی است. با توجه به جامعه آماری متنوع پژوهشگر

۱. عنوان کتاب: خودشیء‌انگاری زنان از دیدگاه روان‌شناسی و تحلیل آن از منظر اسلام.

و نویسنده مقاله انگلیسی مذکور، مسلماً این قاعده انحصاری نبوده و بر اساس غرایز بشری در میان زنان عمومیت دارد. بنابراین با توجه به مطلق بودن این نمودار برای جنس زن می توان آن را محور بحث برای اثبات حقانیت و فلسفه بسیاری از احکام بانوان در اسلام تلقی کرد. با اندکی تأمل در مبانی و احکام اسلامی و مقایسه آن با نمودار فوق در زمینه تغییرات میزان خودشیءانگاری متناسب با سن زنان می توان به نتایج معقول و قابل ذکری دست یافت. احکامی که التزام به آن گهگاه به دلیل عدم آگاهی از فواید و مزایای انکارنشده آن، خاطر برخی دختران و زنان جامعه را آزرده ساخته و آن را ظاهراً مانعی برای آزادی و دستیابی به لذت های دوران جوانی خود می دانند و یا به دنبال پاسخی برای شبهات چرایی آن هستند. این در حالی است که ایمان و یکتاپرستی در اعتقادات هر فرد، مستلزم آن است که خداوند یکتا را عالم، قادر و حکیم مطلق دانسته و بنابراین دستورات او را بی چون و چرا فرمان برداری نماید. صرف نظر از اینکه فرمان برداری دستورات الهی به نیت کسب خشنودی یگانه خالق مهربان، بهترین درجه بندگی و خلوص به شمار می رود و علاوه بر سعادت دنیوی و اخروی برترین پاداش ها را نیز به دنبال دارد؛ اما با این حال ممکن است گاهی شرایط محیطی و افکار کاذب سبب شود تا فرد مسلمان برای عمل به این دستورات به دنبال دلیل و برهان باشد و اگر دلیلی بر آن نیابد از انجامش سرباز زند. بنابراین در این مجال به بیان برخی احکام و فرامین فقهی بانوان در اسلام و ارتباط معنادار آن با ویژگی های زنان در زمینه تغییرات میزان خودشیءانگاری آنان در طول دوران زندگی، بر اساس مطالعات مذکور، پرداخته می شود.

هندسه رفتاری خودشیءانگاری در زنان و بایسته های آن از منظر اسلام

از آنجا که به نظر می رسد خودشیءانگاری زنان ارتباط تنگاتنگی با تبرُّج (در بُعد ظاهری) و نیز خودشناسی (در بُعد باطنی) داشته باشد، لازم است ابتدا به مفهوم شناسی و اهمیت واکاوی این سه اصطلاح پرداخته شود و سپس چگونگی ارتباط آن ها با یکدیگر و راهکارهای ایمن سازی زنان از خودشیءانگاری و تبرُّج ناسالم با استفاده از دستورات اسلامی تبیین شود. همچنین ارتباط معناداری نیز میان خودشیءانگاری زنان و سه مؤلفه تبرُّج، حجاب و خودشناسی در سنین مختلف وجود دارد که در ادامه بحث تبیین می شود.

۱- مفهوم‌شناسی

۱-۱- تبرّج

واژه «تبرّج» در لسان العرب به معنای «آشکار کردن زینت و آنچه شهوت مرد را می‌طلبد» آمده است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲/۲۱۲)

همچنین مشتقات مرتبط با این واژه در دو آیه از قرآن کریم آمده است: ﴿... غیر مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ...﴾ (نور، ۶۰) و نیز ﴿وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى...﴾ (احزاب، ۳۳) که در فرهنگ قرآنی التحقیق فی کلمات القرآن الکریم در آیه اخیر این گونه توصیف شده است: «أى لا يتظاهرن ولا يردن الاستعلاء والتجلى و جلب النفوس، و معلوم أن التظاهر والاستعلاء فى كل نوع بحسبه، فى المرأة بالتزين فى مقابل الأجنب قولاً و عملاً و سلوكاً و مشياً و لمزاً و نظراً. فكل حركة أو سکون من المرأة يجلب نظر الأجنبى و يقتضى نفوذها فيه و يوجب التظاهر و التجلى و الاستعلاء فى قبالة: فهو تبرّج منهى فى القرآن الکریم، و صاحبه مخالف أمر الله المتعال و من أهل الجاهلية». (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۱/۲۶۴)

طبق این عبارات، تبرّج نهی شده در قرآن عبارت است از هر گونه ظاهر ساختن، جلوه دادن و جلب توجه کردن به هر شکلی که در زنان با زیانمودن گفتار، رفتار، عمل، اشاره و یا نگاه در مقابل نامحرم است. بنابراین هر گونه حرکت یا سکون زن که باعث جلب توجه نامحرم شده و اقتضای نفوذ او در مرد را داشته باشد، مخالف امر خداوند متعال و از اعمال اهل جاهلیت است.

تفسیر المیزان نیز کلمه «تبرّج» را به معنای ظاهر شدن در برابر مردم بیان کرده، همان طور که برج قلعه برای همه هویدا است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۶/۴۶۲)

۱-۲- خودشیء‌انگاری

این تعبیر در فلسفه و روان‌شناسی بدین معناست که فرد بیشتر از دیدگاه سوم شخص درباره بدن خود اندیشیده و آن را ارزیابی می‌کند. در نتیجه بر صفات «قابل مشاهده» از وجود خود تأکید کرده و به عبارت دیگر، سؤالش این است: «من چگونه به نظر می‌رسم؟». وی

کمتر به دیدگاه اول‌شخص توجه می‌کند که قاعداً تأکید آن باید بر صفات اول‌شخص و «نامشهود» و یا ممتاز وجود او باشد، تا سؤالش به‌طور مثال این باشد: «من چه احساسی دارم؟». این وضعیت شناختی در زنان بیشتر از مردان مشاهده شده است.^۱

بهترین تعریف برای خودشیء‌انگاری در زنان می‌تواند این‌گونه باشد: «نمایشی قاعده‌مند و منظم برای تجسم خارجی تجربه‌ها، که دختران و زنان را به گونه‌ای اجتماعی می‌سازد که متعهد به خودشیء‌انگاری می‌شوند و در آن خود را به‌عنوان شیء یا مجموعه‌ای از اجزای بدن می‌پندارند تا جایی که این نگرش به تدریج درونی می‌شود».^۲ بنابراین خودشیء‌انگاری در زن عبارت است از پنداری کاذب و دروغین از هویت او، به گونه‌ای که موجب محدود و محبوس ساختن افکار و روان زن در جسم و بدنش شده و دائماً فکر و عمل او را به جسم خود مشغول می‌سازد و در نتیجه او را از رشد عقلانی و رسیدن به کمالات انسانی بازمی‌دارد.

۱-۳- خودشناسی

خودشناسی در لغت، به معنای اطلاع بر خود، شناختن خود و عارف به نفس خود شدن است. (دهخدا، ۱۳۶۱: ۸۴۶/۲۱)

خودشناسی در اصطلاح، یعنی شناختن انسان از آن نظر که دارای استعدادها و نیروهای برای تکامل انسانی است. (مصباح یزدی، ۱۳۸۸: ۶۶)

در مورد خودشناسی در قرآن نیز خداوند در برخی آیات، با ذکر نشانه‌هایی در وجود و نفس انسان و مهم دانستن آن‌ها، از آن جهت که شناخت آن‌ها منجر به شناخت خود و در نتیجه، پیدا کردن مسیر و راه سعادت است، اهمیت خودشناسی را بیان می‌کند:

﴿سُرِّيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَّبِعَنَ لَهُمْ اللَّهُ الْحَقُّ...﴾؛ (فصلت، ۵۳) یعنی «به‌زودی نشانه‌های خود را در اطراف جهان و درون جانشان به آن‌ها نشان می‌دهیم تا برای آنان آشکار گردد که او حق است...».

۱. ر.ک: کتاب زمینه روان‌شناسی اتکینسون و هیلگارد، هیلگارد، ارنست، ترجمه محسن ارجمند و حسن رفیعی.

۲. ر.ک: مقاله:

FEMALE SELF-OBJECTIFICATION: CAUSES AND PREVENTION CONSEQUENCES (-30-9 2013), Dr. Karen Saules, Mentor.

﴿وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ﴾؛ (ذاریات، ۲۱) یعنی «و در وجود خود شما [نیز آیاتی

است]، آیا نمی بینید؟».

همچنین معصومین (علیهم السلام) ضمن روایات متعددی، اهمیت و ارزش خودشناسی را تذکر داده و پیروان خویش را به این نکته متوجه نموده‌اند که معرفت نفس، مایه پیروزی و موفقیت انسان‌هاست و خودناشناسی، موجب سقوط و تباهی آنان است. (فلسفی، ۱۳۵۹: ۲-۶) امام علی (علیه السلام) نیز در این باره می‌فرماید: «برترین خرد، خودشناسی انسان است؛ پس هر که خود را شناخت، خردمند شد و هر که خود را نشناخت گمراه گشت». (محمدی ری‌شهری، ۶۳-۳۵۶۷/۸: ۱۳۶۲)

۲- تبرّج و ارتباط معنادار آن با خودشیء انگاری زنان

به نظر می‌رسد نیاز غریزی زن به تبرّج و خودنمایی به‌ویژه در دوران نوجوانی و جوانی یکی از مهم‌ترین دلایلی است که به‌جهت عدم هدایت صحیح و متعادل آن در وجود زن منجر به پیدایش پدیده خودشیء انگاری و تبعات سوء آن در او شده است. توضیح آنکه به نظر می‌رسد خداوند حس تبرّج و خودنمایی، که به‌نوعی تشدید و بروز دادن زیبایی‌های فردی است را در وجود زن نهاده تا به‌طور ویژه، موجب استحکام روابط زناشویی و نیز تبلور حس زنانگی او و لذت از آن، البته دور از دید نامحرم، باشد؛ به‌گونه‌ای که طبق آیات و روایات اسلامی، شایسته است زن همواره مزین به زیورآلات بوده و به‌ویژه در نزد همسرش تبرّج و خودنمایی داشته باشد. چنان‌که پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) در مورد ویژگی‌های بهترین زن می‌فرماید: «الْوَدُودُ الْعَفِيفَةُ، الْعَزِيزَةُ فِي أَهْلِهَا، الدَّلِيلَةُ مَعَ بَعْلِهَا، الْمُتَبَرِّجَةُ مَعَ زَوْجِهَا...»؛ (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۲۴/۵) یعنی بهترین زنان شما زنی بسیار بامحبت، عقیف و پاک‌دامن است که، نزد اقوامش عزیز و محترم باشد، با شوهرش متواضع و فروتن باشد و برای او خودآرایی و تبرّج کند. همچنین امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «برای زن سزاوار نیست خود را از زیور و آرایش خالی کند، حتی اگر یک گردنبند باشد و سزاوار نیست دستش از رنگ حنا خالی باشد، حتی اگر پیر باشد» و نیز می‌فرماید: «زن بدون زیور و آرایش نماز نخواند». (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۴/۴۵۹)

امام باقر علیه السلام نیز می‌فرماید: «زنان همواره از زیور استفاده کنند». (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۷۵/۶)

این در صورتی است که اگر زنان جامعه پارا از این حدود فراتر نهاده و تبرج و خودنمایی را در ملاءعام و در معرض دید مردان بیگانه و نامحرم آشکار سازند، بسی معضلات، ناهنجاری‌ها و مفاسد فردی و اجتماعی دیگری را به دنبال خواهد داشت که هم‌اکنون دامنه مفاسد آن جوامع بسیاری را فرا گرفته است. این افراط در خودنمایی و تبرج که مبتنی بر جلب نظر دیگران است می‌تواند موجب بیماری خودشیء‌انگاری در فرد و ابتدال در اجتماع شود؛ زیرا زن با تبرج بی‌حدومرز، به تدریج آن را در خود نهادینه ساخته و چنین باوری در او به وجود می‌آید که بدن او شیء و ابزاری است که دائم باید به شکل آن توجه کند و با ایجاد تغییر، زیباسازی و یا حتی غیرعادی نمودن آن به گونه‌ای توجه دیگران را نیز بدان جلب نماید. از این رو خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: ﴿وَلَا تَبْرَجْنَ تَبْرُجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى﴾؛ (احزاب، ۳۳) یعنی «ای زنان، [در برابر نامحرم] تبرج و خودنمایی نکنید، مانند خودنمایی دوران جاهلیت نخستین». در آیه دیگری هم می‌فرماید: ﴿غَيْرِ مُتَّبِرَّجَاتٍ بَزِينَةٍ﴾؛ (نور، ۶۰) یعنی «زنان، [در برابر نامحرم] با زینت‌ها و آرایش‌هایشان خودنمایی نکنند». قرآن در این آیات زنان را از تبرج و خودنمایی و به نمایش گذاشتن جاذبه‌های جنسی خود در برابر نامحرم نهی کرده است. بنابراین همان خداوند حکیمی که گزینه تبرج را همچون گزینه جنسی به‌منظور بهره‌وری مفید و شایسته انسانی در وجود زن به ودیعه نهاده، حدود و شرایط بروز آن را نیز تعیین فرموده تا هر زن مسلمان بتواند با هدایت، مدیریت و مهار عقلانی و اخلاقی این گزینه موجبات کامیابی و سعادت خود، افراد خانواده و جامعه‌اش را فراهم سازد. از این رو است که در احکام اسلامی، آشکارسازی زینت و آرایش زن در معرض نگاه نامحرم، حرام و نامشروع شمرده شده است.

بنابراین خودشیء‌انگاری در زنان و تبرج عام و بدون مرز با یکدیگر رابطه مستقیم دارند؛ یعنی هرچه تبرج عام و ناسالم در زن بیشتر شود، حس خودشیء‌انگاری او نیز قوت بیشتری می‌یابد.

در مقاله انگلیسی موردتحلیل در این بحث علاوه بر بیان تغییر حس خودشیء‌انگاری

زنان در سنین مختلف، دغدغه پیشگیری و درمان آن نیز به چشم می‌خورد که با عمل به این فرامین الهی، طبق آیات و روایات می‌توان این دغدغه را مرتفع ساخت. علاوه بر اینکه باید توجه داشت همان گونه که غریزه تبرج در سنین نوجوانی و جوانی در دختران بروز و ظهور بیشتری دارد، طبعاً حس خودشیءانگاری نیز طبق نتایج تحقیق، در این سن بسیار مشهودتر و بارزتر است و بنابراین همان طور که در بخش مربوط به حجاب بدان اشاره خواهد شد، دین مبین اسلام به رعایت حجاب و عفاف در این سنین تأکید بیشتری داشته که مسلماً ترک تبرج در معرض دید نامحرم را نیز به دنبال دارد.

۳- حجاب و ارتباط معنادار آن با خودشیءانگاری زنان

حجاب و پوشش، در بعد فردی و درونی سبب تقویت تمرکزهای فکری و روحی و بازگشت مؤثرتر انسان به خود و درون خود می‌شود و رابطه فرد با خداوند را ملموس‌تر و شفاف‌تر می‌کند. (واسطی، ۱۳۹۲: ۲۲) می‌توان گفت حجاب به نوعی بروز خارجی حیا است که به صورت فطری در نهاد بشر نهفته شده و اگرچه هم در زن و هم در مرد وجود دارد، اما حدود آن متناسب با کیفیت جنسی و نیاز فرد به آن متفاوت است.

«حیا و عفاف» حالت‌هایی در روح و روان هستند که از افزون‌خواهی تمایلات جلوگیری می‌کنند؛ «حجاب» از تقویت‌کننده‌های اصلی حیا و عفت و کنترلی هوشمندانه در حوزه مدیریت احساس و تصمیم‌گیری، برای رسیدن به منافع پایدار ابدی است. (واسطی، ۱۳۹۲: ۱۹) خداوند در سوره نور، آیه ۳۱ و سوره احزاب، آیه ۵۹، زنان مؤمن را به حجاب و در سوره احزاب، آیات ۳۲، ۳۳ و ۵۳ و نیز سوره نور، آیات ۳۰ و ۳۱، آنان را به عفت فرامی‌خواند. نکته قابل توجه در اینجا این است که اگرچه خداوند طبق آیات مذکور، حدی از حجاب را بر زنان واجب فرموده (که طبق غالب روایات و احکام اسلامی حدود آن گردی صورت و دست‌ها تا مچ، بدون افزودن زینت بدان‌هاست)، اما طبق آیه دیگری از قرآن هرگاه سن زن بالا رفته به طوری که دیگر حیض و بارداری و طبعاً طمع همسری (میل آمیزش جنسی) نداشته باشد، دیگر بر او گناهی نیست که حدود شرعی حجاب را رعایت نکند، البته به شرط

آنکه به زینت و آرایش تبرّج نکند و بنابراین بر این مبنا، حکم اباحه برای عدم رعایت حجاب این گونه زنان در دستورات اسلامی وارد شده است:

﴿وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ (نور، ۶۰)

و زنان بازنشسته [از حیض و بارداری] که [طبعاً] طمع همسری [میل آمیزش جنسی] ندارند، بر آن‌ها گناهی نیست در اینکه لباس‌های خود را بر زمین نهند، در صورتی که نشان‌دهنده زیور و آرایش نباشند، و عفت و ورزیدن آن‌ها برایشان بهتر است، و خداوند شنوا و داناست.

در این آیه شریفه، کلمه «قواعد» جمع قاعده است که به معنای زنی است که از نکاح بازنشسته باشد؛ یعنی دیگر کسی به خاطر پیری‌اش میل به او نمی‌کند؛ بنابراین جمله «اللّاتی لا یَرْجُونَ نِکاحاً» وصفی توضیحی برای کلمه قواعد است. بعضی گفته‌اند: کلمه مذکور به معنای زنی است که از حیض یا نسه شده باشد و وصف بعد از آن صرفاً برای رفع اشتباه است. این آیه در معنای استثنایی است از عموم حکم حجاب و معنایش این است که بر هر زنی حجاب واجب است، مگر زنان مسن، که می‌توانند بی حجاب باشند؛ البته در صورتی که کرشمه و تبرج نداشته باشند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۵/۲۲۸)

در مجمع البیان نیز چنین آمده: «کلمه «تبرّج» به معنای این است که زن محاسن و زیبایی‌های خود را که باید بپوشاند، اظهار کند، و این کلمه در اصل به معنای ظهور بوده؛ برج را هم به همین جهت برج نامیده‌اند، که بنایی است ظاهر و پیداست.» (طبرسی، ۱۳۶۰: ۱۵۴/۷)

واضح است همان گونه که از آیه شریفه بالا نیز پیداست هدف خداوند از تعیین حدود حجاب برای زنان، مخفی کردن جاذبه‌های جنسی آنان و بالطبع حفظ تعادل فکری و روحی و امنیت اجتماعی برای خود و سایر افراد جامعه است.

بنابراین خودشیء‌انگاری در زنان و حفظ حجاب و عفاف با یکدیگر رابطه معکوس دارد؛ یعنی هر چه حجاب و عفاف در زن بیشتر و کامل تر رعایت شود حس خودشیء‌انگاری نیز در او کاهش بیشتری یافته و به صفر می‌گراید.

از طرفی با افول و سقوط جاذبه‌های مذکور زن در سنین بالا، دلیل اصلی برای حفظ حجاب با حدود معین آن مرتفع شده و این وظیفه شرعی از چنین زنی ساقط می‌شود. تحقیق موردنظر که خودشی‌انگاری زنان در سنین بالا را بسیار اندک و تقریباً صفر نمایان ساخته نیز مؤید همین مطلب است؛ زیرا زنان در کهن‌سالی جاذبه‌های جنسی و در نتیجه، زمیئه خودشی‌انگاری را در خود از دست داده و همین امر دلیل شرعی عدم لزوم رعایت حجاب معین در این گونه افراد را توجیه می‌کند.

از طرفی اسلام با توجه به اوج زیبایی‌های ظاهری و غرایز جنسی دختران و زنان در سنین جوانی و طبیعتاً افزایش چشمگیر احتمال خودنمایی و تبرج و نیز معضلات فردی و اجتماعی تبعی آن، علاوه بر لزوم رعایت حدود حجاب اسلامی، سفارش‌های ویژه‌ای را نیز برای حفظ حیا و عفت آنان ارائه داده که این امر به‌واقع بیانگر ظرافت، ریزی‌نی و همه‌جانبه‌گرایی احکام الهی است. به‌عنوان مثال احادیثی در این باب روایت شده از جمله اینکه «شیوه امیر مؤمنان علی (علیه السلام) این بود که به زن‌ها سلام می‌کرد و خوش نداشت که به زن‌های جوان سلام کند و می‌فرمود: می‌ترسم آوازش مرا خوش آید و زیاده‌تر از آن اجری که می‌جویم [گناه] به من رسد». (کلینی، ۱۴۰۷: ۶۴۸/۲) این روایت دارای سند صحیح بوده و در منابع مختلف روایی نیز نقل شده است. بنابراین مراجع تقلید با توجه به این مطالب، سلام کردن به زن جوان را مکروه می‌دانند. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۲۳۱/۱) همچنین شهید مطهری در کتاب مجموعه آثار در پاسخ به سؤالی پیرامون حکم شرکت زنان در تشییع جنازه با توجه به روایات وارده در این مورد افزوده‌اند: جمع بین روایات حکم می‌کند که روایات منع را حمل بر کراهت کنیم. (مطهری، ۱۳۷۹: ۶۱۶/۱۹)

روشن است محدودیت‌های ظاهری که در دین مبین اسلام برای زنان خصوصاً در سنین جوانی و قبل از کهن‌سالی و نیز آزادی‌های پوششی که برای زنان در سنین کهن‌سالی مقرر شده بر اساس وجود و یا عدم وجود زیبایی‌ها و جاذبه‌های جنسی زن در این سنین است و تحقیقات آماری مقاله مذکور در زمینه تغییرات خوشی‌انگاری در سنین مختلف نیز

حاکمی از آن است. بنابراین هرگاه زن در اوج جوانی و زیبایی باشد، احتمال گرایش او به خودشیءانگاری و تبرّج و خودنمایی عام او نیز به اوج خود رسیده و بنابراین لزوم رعایت حدود حجاب و عفاف برای حفظ مصالح فردی و اجتماعی نیز ضروری تر می‌نماید و این همان چیزی است که در اسلام مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. از این رو می‌توان چنین ادعا کرد که حفظ حیا و عفاف و حجاب در دختران و زنان به‌ویژه در سنین جوانی، که طبق تحقیقات میدانی و مقاله انگلیسی مذکور، اوج حس خودشیءانگاری در این سنین محتمل است، به دلیل مصون‌نگه‌داشتن بدن و جلوه‌های ظاهری آن از معرض دید دیگران، نقش بسیار مهمی در جلوگیری از پیدایش حس خودشیءانگاری در خود شخص و نیز سایر افراد هم‌جنس وی خواهد داشت؛ زیرا حیا و حجاب نه تنها نوعی مانع برای جلوه‌گری بدنی در خود فرد است بلکه از برانگیختن این حس در دیگران نیز به دلیل عدم امکان مقایسه‌های بدنی جلوگیری می‌کند. از طرفی حجاب نه تنها برای بانوانی که به‌واقع از زیبایی چهره و اندام برخوردارند، باعث حفظ امنیت روحی و اجتماعی و نیز جلوگیری از خودنمایی و خودشیءانگاری آنان می‌شود، بلکه برای بانوانی هم که از چنین زیبایی‌هایی برخوردار نیستند عاملی است که از افسردگی و نیز تلاش برای زیبانمایی بدن و در نتیجه حس خودشیءانگاری آنان پیشگیری می‌کند.

۴- خودشناسی و ارتباط معنادار آن با خودشیءانگاری زنان

با اندکی تأمل می‌توان به این حقیقت دست یافت که خودشیءانگاری ریشه در عدم «خودشناسی» فرد دارد؛ زیرا اگر انسان خود را بشناسد و بداند مبدأ و مقصد نهایی او کجاست و هدف از خلقت او چه بوده، نه تنها خود را به امور ناشایست و خلاف اخلاق و فضایل انسانی (همچون خودنمایی ظاهری و بدنی در ملأعام) مشغول نمی‌سازد بلکه از لغویات و بیهودگی‌ها نیز اجتناب می‌ورزد تا مبادا ذره‌ای از عمر گران‌بهایش، بی‌بها و تباه گردد. از این رو هرگز کسب امتیازات مادی و ظاهری را که فناپذیر است، در زندگی، هدف قرار نمی‌دهد. در چنین شرایطی است که فرد با نیروی اندیشه و تعقل، عقل خود را بارور ساخته و با رشد فکری

به خودشناسی می‌رسد؛ خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ﴾؛ (یوسف، ۲۲) یعنی «همین که یوسف به مرحله بلوغ و رشد کافی رسید، مقام حکمت و علم را به او دادیم و بدین طریق، نیکوکاران را پاداش می‌دهیم». از پیام‌های آیه شریفه مذکور این است که علم و حکمت، ظرفیت و آمادگی می‌خواهد (بَلَغَ أَشُدَّهُ) (قرائتی، ۱۳۸۸: ۱۷۹/۴) و انسان می‌تواند با تحصیل علوم خداشناسی و تعقل، ظرفیت و آمادگی برای کسب علم و معرفت در خود ایجاد نماید.

همچنین از «خودشناسی» در روایات اسلامی به «معرفت النفس» تعبیر شده که سودمندترین شناخت‌ها است (مَعْرِفَةُ النَّفْسِ أَنْفَعُ الْمَعَارِفِ). (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۳۲) بر اساس روایات اسلامی، خودشناسی یعنی آنکه انسان بداند از کجا آمده و به کجا خواهد رفت و این امر مستلزم شناخت حقیقت وجود خداوند متعال است (مَعْرِفَةُ النَّفْسِ هُوَ أَنْ يَعْرِفَ الْإِنْسَانَ مَبْدَأَهُ وَ مَتْنَهُ، مِنْ أَيْنَ وَ إِلَى أَيْنَ، وَ ذَلِكَ مَوْقُوفٌ عَلَى مَعْرِفَةِ حَقِيقَةِ الْوُجُودِ...). (برسی، بی تا: ۲۹۹) در اهمیت و جایگاه رفیع خودشناسی همین بس که احادیث بسیاری در بزرگداشت آن وارد شده و نیز در روایات متعددی نفس انسانی دارای کرامت، شرافت، بها و قدر و منزلت و الایی معرفی شده، به گونه‌ای که اگر انسان حقیقت نفس خود را بشناسد هرگز آن را با امور فانی و زودگذر، سست و ضعیف نمی‌سازد: «مَنْ عَرَفَ قَدْرَ نَفْسِهِ لَمْ يَهِنْهَا بِالْفَانِيَاتِ». (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۳۳) همچنین در جای دیگری در مورد بهای نفس فرموده‌اند: «أَلَا إِنَّهُ لَيْسَ لِأَنْفُسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ فَلَا تَبِيعُوهَا إِلَّا بِهَا»؛ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۳۲) یعنی آگاه باشید که همانا برای نفس‌های شما بهایی جز بهشت نیست، پس آن را به غیر آن نفروشید!

بدیهی است هیچ انسانی با وجود خودشناسی (معرفت النفس)، که منجر به تدبیر زندگی هدفمند متعالی در دنیا می‌شود، هرگز دچار سردرگمی و پندارهای غلط و ناشایست از خود همچون خودشیء‌انگاری نمی‌شود؛ زیرا منشأ هر گونه برداشت اشتباه انسان از خود، که منجر به پیدایش معضلات روحی و روانی در او می‌شود، عدم شناخت صحیح از حقیقت و فلسفه وجودی خود اوست.

از این رو میان حس خودشیءانگاری زنان و خودشناسی آنان نیز رابطه معکوس وجود دارد؛ یعنی هر چه زن از معرفت‌النفس و خودشناسی بیشتری برخوردار باشد، حس خودشیءانگاری نیز در او کاهش بیشتری یافته و محو می‌شود.

از سویی بر طبق تحقیقات آماری در مقاله انگلیسی مورد بحث، احتمال ابتلای دختران و زنان به خودشیءانگاری در سنین نوجوانی و جوانی به اوج خود می‌رسد؛ بحرانی که اسلام آن را با واجب نمودن انجام اعمال عبادی مرتفع ساخته است؛ زیرا در آن سنین، هر دختر مسلمانی مکلف به انجام تکالیف شرعی شده و عمل به آن‌ها باعث توجه دادن او به خالق هستی، هدف از خلقت او و مبدأ و معاد می‌شود و این گونه است که از شأن و جایگاه خود آگاه شده و با وجود خودشناسی از معضل خودشیءانگاری مصون می‌ماند.

نتیجه‌گیری

بر اساس داده‌های آماری مقاله انگلیسی مورد بحث، در این تحقیق و بررسی و تطبیق دستاوردهای آن با گزاره‌ها و فرامین اسلامی و نیز تحلیل خودشیءانگاری در زنان، می‌توان نتایج زیر را برشمرد:

۱- میان حس خودشیءانگاری در زنان و تبرّج عام و بدون مرز، رابطه مستقیم وجود دارد؛ یعنی هر چه تبرّج عام و ناسالم در زن بیشتر شود، حس خودشیءانگاری او نیز قوت بیشتری می‌یابد.

۲- میان حس خودشیءانگاری در زنان و حفظ حجاب و عفاف، رابطه معکوس وجود دارد؛ یعنی هر چه حجاب و عفاف در زن بیشتر و کامل تر رعایت شود، حس خودشیءانگاری نیز در او کاهش بیشتری یافته و به صفر می‌گراید.

۳- میان حس خودشیءانگاری در زنان و خودشناسی آنان نیز رابطه معکوس وجود دارد؛ یعنی هر چه زن از خودشناسی بیشتری برخوردار باشد، حس خودشیءانگاری نیز در او کاهش بیشتری یافته و به تدریج محو می‌شود.

۴- یکی از راه‌های اثبات حقانیت دستورات الهی در دین مبین اسلام تأمل در نتایج تحقیقات مربوط به علوم انسانی، به‌ویژه در حیطه میدانی گسترده است.

۵- اینکه طبق نتایج مقاله انگلیسی مزبور، حس خودشیء‌انگاری زنان در سنین جوانی به حداکثر و در سنین کهن سالی به حداقل خود و صفر می‌رسد، می‌تواند یکی از مؤیدات و دلایل حکم و جوب حجاب و عفاف و حرمت تبرّج زنان در برابر نامحرم و تأکید و اهمیت بیشتر آن در سنین نوجوانی و جوانی و نیز عدم و جوب حجاب کامل زن در سنین کهن سالی از منظر اسلام باشد.

۶- یکی از فلسفه‌های حکم و جوب اعمال عبادی در سنین نوجوانی و بلوغ دختران، می‌تواند توجه آن‌ها به مبدأ و معاد و در نتیجه، خودشناسی آن‌ها باشد که علاوه بر فواید بی‌شمار آن، بزرگ‌ترین مانع در برابر پندارهای کاذبی همچون خودشیء‌انگاری است.

کتابنامه

* قرآن کریم

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
۲. برسی، حافظ رجب، بی تا، مشارق الأنوار الیقین فی أسرار أمير المؤمنين علیه السلام ج ۱۰، بی جا: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۳. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۶۶، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، قم: بی نا.
۴. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۵. خلیلی، شیوا؛ بختیاری، آمنه، ۱۳۷۸، «نگرشی روان شناختی به بلوغ دختران»، مطالعات راهبردی زنان، ش ۴۱، تهران: بی نا.
۶. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۶۱، لغت نامه، تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
۷. طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۷۴، تفسیر المیزان، ترجمه موسوی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۸. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
۹. فلسفی، محمدتقی، ۱۳۵۹، اخلاق از نظر هم زیستی و ارزش های انسانی، تهران: معارف اسلامی.
۱۰. قرائتی، محسن، ۱۳۸۸، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷، الکافی، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۲. محمدی ری شهری، محمد، ۶۳-۱۳۶۲، میزان الحکمه، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۳. مصطفوی، حسن، ۱۴۳۰، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۳، بیروت، قاهره، لندن: بی نا.
۱۴. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۸، خودشناسی برای خودسازی، قم: مؤسسه آموزشی

و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه

۱۵. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۹، مجموعه آثار (مسئله حجاب)، تهران: صدرا.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۱، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۷. واسطی، عبدالحمید، ۱۳۹۲، حجاب و مدیریت احساس (نگرشی دیگر به حجاب)، مشهد: موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام.
18. Mendelson, B. K. White, D. R., & Mendelson, M. J, 1999, "Self-esteem and body esteem: Effects of gender, age, and weight", *Journal of Applied Developmental Psychology*.
19. Dr. Karen Saules, Mentor, 2013, "FEMALE SELF-OBJECTIFICATION: CAUSES, AND PREVENTION CONSEQUENCES".
20. McKINLEY, Nita Mary, 2011, "Countinuity and change in self-objectification: taking a life-span approach to women's experiences of objectified body consciousness".